

پرسش ۲۸۶: دلیل قانع کننده‌ای نیافته‌ام

السؤال / ۲۸۶: بسم الله الرحمن الرحيم، لم أجد في جوابكم سوى مجموعة روايات ونصوص قرآنية ممكن لأي شخص أراد أن يدعي هذا الأمر أن يلويها ويأولها لصالحه، أما عن المنامات فقد رأيت فيما يرى النائم في المنام بعد حيره أصابتي، وبعد إلحاح ودعاء وصلاة رأيت كأن صوتاً يخبرني قائلاً: الحجة لديه الحجة على أنه الحجة.

بسم الله الرحمن الرحيم، در جواب‌های شما صرفاً دسته‌ای از روایات و متون قرآنی یافته‌ام که هر کس بخواهد ادعای این امر کند می‌تواند آنها را به دست بگیرد و به نفع خودش تاویل و تفسیر نماید. در خصوص خواب‌ها نیز من خودم پس از دودلی و حیرتی که گرفتارش شده بودم، و پس از اصرار و دعا و نماز در خواب دیدم که گویی صدایی به من خبر می‌داد و می‌گفت: حجت دارای حجت است بر این که او حجت است.

للأسف، لم أجد لديكم أي حجة مقنعة مع احترامي الشديد لكم، فإن كنت مصيباً فالحمد لله، وإن كنت مخطئاً فلعلي معذور أمام الله.

من اگرچه برای شما احترام زیادی قائلم ولی متأسفانه از سوی شما هیچ دلیل متقاعدکننده‌ای نیافته‌ام. اگر درست کار باشم و به واقع رسیده باشم که الحمد لله، و اگر به خطا رفته باشم شاید در پیشگاه خدا معذور باشم.

وأخيراً وليس أخراً أشكركم جزياً على الرد، وأتمنى من الله أن يوفقنا وإياكم إلى سبيله وإلى هديه، وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.
والسلام عليكم ورحمة اله وبركاته

و در پایان از پاسخ شما تشکر فراوان می‌کنم و از خداوند درخواست می‌نمایم که من و شما را به راه و هدایت خودش توفیق بدارد و پایان دعایمان این است: سپاس خدای را، آن پروردگار جهانیان.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته

فرستنده: فراس شکاک - سوئیس

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

قولك: (لم أجد في جوابكم سوى مجموعة روايات ونصوص قرآنية ممكن لأي شخص أراد أن يدعي هذا الأمر أن يلويها ويأولها لصالحه).

أقول: لو كانت أخبار الرسول محمد (ص) وآله الأئمة (ع) يمكن لأي أحد أن يؤولها على نفسه لما كان لها فائدة بل ستكون طريقاً للضلال والحيرة (وحاشاهم)، في حين أنها وجدت لهداية الناس ومعرفة الحق من الباطل، خصوصاً وصية الرسول محمد (ص) ليلة وفاته عندما نص على أوصيائه إلى يوم القيامة وسمى منهم ثلاثة عشر وصياً الأئمة الاثني عشر وأول المهديين ووصي الإمام المهدي (ع) أحمد.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آله الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

در جواب این سخن شما که «در جواب‌های شما صرفاً دسته‌ای از روایات و متون قرآنی یافته‌ام که هر کس بخواهد ادعای این امر کند می‌تواند آنها را به دست بگیرد و به نفع خودش تاویل و تفسیر نماید» می‌گوییم: اگر اخبار و روایات حضرت محمد (ص) و خاندان پاک او (ع) به گونه‌ای باشد که هر کس بتواند آنها را بر خودش تاویل کند، نه تنها این اخبار و احادیث مفید فایده نیست بلکه راهی به سوی گمراهی و حیرت و

سرگردانی خواهد بود - که از ساحت ایشان چنین چیزی به دور است - در حالی که اینها برای هدایت مردم و شناخت حق از باطل پدیدار گشته است. به ویژه وصیت حضرت محمد(ص) در شب وفاتش، که در آن اوصیای خودش تا روز قیامت را مشخص فرموده و آنها را نام برده است که سیزده وصی از ائمه‌ی دوازده گانه‌اند و نخستین مهدیین و وصی امام مهدی(ع) که احمد می‌باشد.

وفي رواية عن الإمام الجواد (ع) يقول فيها لو لم يكن رسول الله (ص) قد أوصى لضيع من في أصلاب الرجال [616]، أي إنّ الوصية هداية وبرهان لمن في أصلاب الرجال ليعرفوا الأوصياء من بعد الرسول محمد ويميزونهم بأسمائهم وصفاتهم، وحاشى لله أن يجعل شيئاً ما كدليل ثم يُمكن المنتحلين والكاذبين من ادعاءه وانطباقه عليهم، وقد فصلت لك استحالة انطباق الوصية على غير أهلها في الجواب السابق، ولا أدري بأي دليل وحجة تقول بإمكان تأويل كلام المعصومين على غير من قصدوه حقاً؟!!!!

در حدیثی از امام جواد(ع) روایت شده است که حضرت فرموده است اگر پیامبر خدا(ص) وصیت نمی‌کرد، کسانی که در صلب مردان بودند ضایع می‌گشتند([617])؛ یعنی وصیت، هدایت و برهانی برای کسانی است که در صلب‌های مردان هستند، تا جانشینان بعد از پیامبر حضرت رسول(ص) را بشناسند و آنها را از روی نام و ویژگی‌ها و صفاتشان تشخیص دهند. از خدا بسی به دور است که چیزی را دلیل و نشانه قرار دهد که دغل‌بازان و دروغ‌گویان بتوانند آن را مدعی شوند و به خود ببندند. در پاسخ قبلی به تفصیل محال بودن انطباق وصیت بر غیر اهله را برای شما شرح دادم. من نمی‌دانم شما با کدام دلیل و حجتی می‌گویید از امکان تاویل کلام معصومین بر غیر آنچه مقصود از آن بوده است، وجود دارد؟!!!!

ثم قد روي أنّ فضل أهل آخر الزمان على كل زمان؛ لأنهم آمنوا بسواد على بياض، أي: حبر على ورق وهو روايات محمد وآله (ص):

علاوه بر این در روایات از فضل و برتری مردم آخرالزمان بر مردمان تمام زمانها سخن گفته شده است؛ زیرا آنها به سیاهی بر سفیدی ایمان آورده‌اند، یعنی به جوهر بر روی کاغذ؛ که منظور همان روایات محمد و خاندان او (ع) می باشد.

عن الإمام جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جده، عن علي ابن أبي طالب (ع)، في حديث طويل في وصية النبي (ص) يذكر فيها إن رسول الله (ص) قال له: (يا علي، واعلم أن أعجب الناس إيماناً وأعظمهم يقيناً قوم يكونون في آخر الزمان لم يلحقوا بنبي وحبب عنهم الحجة فأمنوا بسواد على بياض) [618].

از حضرت امام صادق (ع) از پدرش (ع) و جد بزرگوارش (ع) از حضرت علی بن ابی طالب (ع) ضمن حدیثی طولانی درباره‌ی وصیت پیامبر خدا (ص) که در آن به امیرالمومنین وصیت فرمود: «یا علی! بدان که از بین همه‌ی مردم، ایمان کسانی از همه قوی‌تر و یقینشان از همه بزرگتر است که در آخرالزمان با آن که پیامبر را ندیده‌اند و حجت‌شان از ایشان مخفی است، ایمان به سیاهی بر سفیدی (نوشته‌ای) می‌آورند» [619].

وقد بينت لك سابقاً أنّ هذا من أدلة الأنبياء والأئمة (ص) وقد أنكرها المكذبون بنفس الحجة التي تحتج بها أنت الآن، وكنت أتمنى أن لا أسمع منك هكذا كلام.

من قبلاً برای شما بیان داشتم که این (وصیت) از جمله دلایل انبیا و ائمه (ع) است و دروغ‌پردازان با همان دلیلی که شما اکنون بر آن استدلال می‌کنی آن را منکر شده‌اند. من امید داشتم که ای کاش این سخنان را از شما نمی‌شنیدم.

قولك: (أما عن المنامات فقد رأيت فيما يرى النائم في المنام بعد حيره أصابتي، وبعد إلحاح ودعاء وصلاة رأيت كأن صوتاً يخبرني قائلاً: الحجة لديه الحجة على أنه الحجة).

أقول: فهذه الرؤيا عليك وليس لك، وهي ليس لها مصداق الآن غير السيد أحمد الحسن؛ لأنه صاحب الحجة التي بينها وأكد عليها الأئمة (ص)، وهي الوصية والعلم وحاكمية الله، أي الأمر بالطاعة، وقد ذكرت لك في الجواب السابق الروايات التي تنص على أن الحجة يعرف بالوصية، أي: وصية رسول الله (ص) وقد ذكر فيها السيد أحمد الحسن بصفته.

و اما در پاسخ به این سخن شما که «در خصوص خوابها نیز من خودم پس از دودلی و حیرتی که گرفتارش شده بودم، و پس از اصرار و دعا و نماز در خواب دیدم که گویی صدایی به من خبر می داد و می گفت: حجت دارای حجت است بر این که او حجت است» می گویم: این رؤیا به ضرر شما و نه به نفع شما است (موید نظر شما نیست) و اکنون هیچ مصداقی جز سید احمد الحسن ندارد زیرا وی صاحب حجتی است که ائمه (ع) آن را بیان نموده و بر آن تاکید ورزیده اند؛ که (آن حجت) عبارت است از وصیت، علم و حاکمیت خدا، یعنی امر به فرمان برداری. در پاسخ قبلی، روایاتی را که اشاره دارد بر این که حجت به وسیله ی وصیت - یعنی وصیت رسول خدا (ص) - شناخته می شود برای شما بیان داشتیم. در وصیت آن حضرت، سید احمد الحسن به طور دقیق توصیف شده است.

وبالنسبة للعلم فأعظم العلم هو القرآن الكريم، وقد تحدّى السيد أحمد الحسن جميع العلماء بالمناظرة بالقرآن الكريم وقد أنزل كتاب (المتشابهات) و صدر منه إلى الآن أربعة أجزاء وتحذاهم أن يردوا على ما جاء فيه.

در خصوص علم، باید بگوییم که بزرگ‌ترین علوم، قرآن کریم است و سید احمد الحسن تمام علما را به مناظره با قرآن کریم تحدی نموده و آنها را به مبارزه طلبیده است. کتاب «متشابهات» به نگارش درآمده و تا کنون چهار جلد از آن منتشر گشته است. سید احمد الحسن از علما خواسته است که به مندرجات کتاب پاسخ گویند.

وَأَمَّا بِالنِّسْبَةِ إِلَى حَاكِمِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَالسَّيِّدُ أَحْمَدُ الْحَسَنُ هُوَ الْوَحِيدُ الَّذِي رَفَعَ شِعَارَ (حَاكِمِيَةِ اللَّهِ) وَ (الْبَيْعَةِ لِلَّهِ)، وَهُوَ الَّذِي نَصَّ عَلَيْهِ الْأُئِمَّةُ (ع) بِأَنَّ الْمَلْتَوِيَّ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ، فِي رَوَايَاتِ (الْيَمَانِيِّ)، وَقَدْ بَيَّنَّ السَّيِّدُ أَحْمَدُ الْحَسَنُ بِأَنَّ أَوَّلَ الْمَهْدِيِّينَ - أَحْمَدُ - وَالْيَمَانِيُّ هُمَا شَخْصِيَّةٌ وَاحِدَةٌ بَعْدَ أَسْمَاءٍ وَصِفَاتٍ.

در خصوص حاکمیت خدای تعالی نیز سید احمد الحسن تنها کسی است که شعار «حاکمیت از آن خدا است» و «بیعت از آن خدا است» را سر داده و او همان کسی است که ائمه (ع) در روایات «یمانی» در موردش فرموده‌اند، کسی که از او روی برگرداند اهل آتش است. و نیز مشخص شده است که سید احمد الحسن، اولین مهدیین - احمد- و یمانی، هر دو یک شخصیت واحد هستند، با نام‌ها و ویژگی‌های مختلف.

فهذه هي حجة الأنبياء والأئمة (ع) وهي عينها عند السيد أحمد الحسن، والكلام طويل في هذا الموضوع، يمكنك الإحاطة به من خلال كتب السيد أحمد الحسن وكتب أنصاره، منها: (حاکمیه الله)، و (الإضاءات بثلاثة أجزاء)، و (الوصية والوصي أحمد الحسن)، و (اليماني الموعود حجة الله)، وغيرها الكثير.

اینها، همه دلایل انبیا و ائمه (ع) است که عین آنها نزد سید احمد الحسن می‌باشد. سخن در این باب بسیار است و شما می‌توانی با مراجعه به کتاب‌های سید احمد الحسن و کتاب‌های انصارش از جمله «حاکمیت خداوند و نه حاکمیت مردم»،

«روشنگری‌ها در سه جلد»، «وصیت و وصی احمد الحسن»، «ایمانی موعود، حجت خدا» و بسیاری کتب دیگر، در خصوص این موضوع اطلاعات بیشتری کسب کنی.

قولك: (للأسف لم أجد لديكم أي حجة مقنعة مع احترامي الشديد لكم، فإن كنت مصيباً فالحمد لله، وإن كنت مخطئاً فلعلي معذور أمام الله).

أقول: وأنا مع احترامي لك أقول: أين هم وكم هم من اعترفوا بحجج الأنبياء والأئمة (ع)؟! فهم قليل كالكبريت الأحمر كما وصفهم أمير المؤمنين (ع) ([620])، واعلم إن كنت أنت مخطئاً - وهذا هو المتيقن - فلا عذر لك غداً أمام الله تعالى وأمام الإمام المهدي (ع) فله الحجة البالغة على الناس ولا حجة لأحد عليه.

در پاسخ به این سخن شما که «من اگرچه برای شما احترام زیادی قائلم ولی متأسفانه نزد شما هیچ دلیل متقاعدکننده‌ای نیافته‌ام. اگر درست کار باشم و به واقع رسیده باشم که الحمد لله، و اگر به خطا رفته باشم شاید در پیشگاه خدا معذور باشم» می‌گویم: من نیز با احترامی که برای شما قائلم عرض می‌کنم: کجایند کسانی که در برابر دلایل انبیا و ائمه (ع) سر تسلیم فرود آورند و اینها چند نفرند؟! این عده همان گونه که امیرالمومنین (ع) توصیفشان فرموده است، به غایت کمیابند درست مانند گوگرد سرخ (کبریت احمر) ([621])! و بدان اگر شما به خطا بروی که قطعاً چنین است - فردا نزد خدای تعالی و امام مهدی (ع) هیچ عذر و بهانه‌ای نخواهی داشت که خدا بر مردم دارای حجت بالغه (دلیل محکم و رسا) است و کسی بر او حجتی ندارد!

قولك: (وأخيراً وليس آخراً أشكركم جزيلاً على الرد، وأتمنى من الله أن يوفقنا وإياكم إلى سبيله وإلى هديه، وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته).

أقول: وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته، وهذا واجبنا ولا شكر على واجب، وأرجو أن لا أكون مقصراً في تبيان الحق إليك، وأسأل الله تعالى أن يأخذ بيدك إلى نصره الحق المتمثل بالسيد أحمد الحسن يمانی آل محمد، وان لا يجعلك غداً من الذين يقولون: (وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَاناً خَلِيلاً * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولاً) [622].

و اما در پاسخ به این سخن شما که «و در پایان از پاسخ شما تشکر فراوان می کنم و از خداوند درخواست می نمایم که من و شما را به راه و هدایت خودش توفیق بدارد و پایان دعایمان این است: سپاس خدای را، آن پروردگار جهانیان. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته» می گویم: وعلیکم السلام و رحمة الله و برکاته، این تکلیف ما است و بر انجام تکلیف نیازی به تشکر نیست. امیدوارم در تبیین حق برای شما کوتاهی نکرده باشم و از خدای متعال مسئلت دارم که دست شما را در نصرت حق که در سید احمد الحسن یمانی آل محمد متمثل شده است بگیرد و شما را جزو کسانی قرار ندهد که فردا بگویند: «روزی که کافر دستان خود را به دندان گزد و گوید: ای کاش به همراه رسول (فرستاده) راهی در پیش گرفته بودم * وای بر من! کاش فلانی را دوست نمی گرفتم * با آن که قرآن برای من نازل شده بود، مرا از پیرویش باز می داشت و شیطان همواره فروگذارنده ی آدمی است» [623].

واعلم بأنکم الفقراء إلى الله وأنه الغني الحميد، وكذلك حججه أغنياء بغناه تعالى.

و بدانید که شما به خدا نیازمندید و او بی نیاز و ستودنی می باشد و حجج الهی نیز با بی نیازی از سوی خدای متعال، بی نیاز می باشند.

قال الله تعالى: (لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ) [624].

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم العقيلي

حق تعالى می فرماید: «هدایت یافتن آنها بر عهده‌ی تو نیست، بلکه خداوند است که هر که را بخواهد هدایت می کند، و هر مالی که انفاق می کنی ثوابش از آن خود شما است و جز برای خوشنودی خدا چیزی انفاق نکنید و هر چه انفاق کنید، پاداش آن به شما می رسد و بر شما ستمی نخواهد شد» [625].

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

هیأت علمی - انصار امام مهدی (ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم عقیلی



[616] - روی الكليني بسنده في خبر طويل عن أبي جعفر الثاني (ع)، قال: قال أبو عبد الله (ع) إلى أن يقول: (إن خليفة رسول الله (ص) مؤيد ولا يستخلف رسول الله (ص) إلا من يحكم بحكمه، وإلا من يكون مثله إلا النبوة، وإن كان رسول الله (ص) لم يستخلف في علمه أحداً فقد ضيع من في أصلاب الرجال ممن يكون بعده) الكافي: ج 1 ص 242 - 245.

[617] - كليني با سندش در خبری طولانی از ابو جعفر ثانی (ع) روایت کرده است که: ابو عبدالله (ع) فرمود تا به اینجا رسید که: «جانشین رسول خدا (ص) تایید شده است و رسول خدا (ص) جانشین نمی کند مگر کسی را که دارای حکم می باشد؛ کسی که مانند خود او است مگر در نبوت و اگر رسول خدا (ص) با علم خویش کسی را جانشین قرار نمی داد، کسانی که در صلب‌های مردان پس از او بودند، به طور قطع و یقین ضایع می شدند». کافی: ج 1 ص 242 تا 245.

[618] - کمال الدین: ج 1 ص 288.

[619] - کمال الدین: ج 1 ص 288.

[620] - روی سعید بن جبیر، عن ابن عباس، أن رسول الله (ص) قال: (إنّ علياً وصيي ومن ولده القائم المنتظر المهدي الذي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، والذي بعثني بالحق بشيراً ونذيراً أن الثابتين على القول بإمامته في زمان غيبته لأعز من الكبريت الأحمر، فقام إليه جابر بن عبد الله، فقال: يا رسول الله، ولقائهم من ولدك غيبة؟ قال: إي وربي، ليحص الله الذين آمنوا ويمحق الكافرين، ثم قال: يا جابر، إن هذا أمر من أمر الله وسر من سر الله فإياك والشك فإن الشك في أمر الله عز وجل كفر (کمال الدین: ص 287).

[621] - سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا(ص) فرمود: «علی، وصی من است و قائم منتظر از فرزندان او می باشد؛ کسی که زمین را از قسط و عدل پر می کند همان گونه که از ظلم و ستم پر خواهد شد. سوگند به کسی که مرا به بشارت دهنده و انذار کننده ی حق مبعوث نمود، ثابتین بر گفتار امامت در زمان غیبت از کبریت سرخ کم یاب ترند». جابر برخاست و گفت: ای رسول خدا، آیا قائم که از فرزندان شما است، غیبت می کند؟ فرمود: «آری و سوگند به پروردگارم، خداوند کسانی که ایمان آورند را استوار و کافرین را نابود خواهد نمود». سپس به جابر فرمود: «ای جابر، این فرمانی از سوی خدا و رازی از رازهای خدا است؛ شما را از شک و تردید در آن برحذر می دارم که شک در امر و فرمان خدا، کفر محسوب می شود».

کمال الدین: ص 287.

[622] الفرقان: 27 - 29.

[623] - فرقان: 27 تا 29.

[624] البقرة: 272.

[625] - بقره: 272.